



نقش حسابداران در توسعه بازار سرمایه کشور

بی شک، همه ما قبول داریم که توسعه کشور بدون ارائه گسترده خدمات حسابداری و وجود حسابرسان ممکن نیست. همه ما قبول داریم که توسعه، متضمن کنترل و نظارت است و قبول داریم که جامعه حسابداری و حسابرسی کشور، در اعمال چنین نظارت‌هایی و در تولید اطلاعات لازم برای توسعه اقتصادی ایران نقش درجه اولی دارد. اتفاقاتی شبیه واقعه انرون و واقعه ورلدکام، که زمینه تصویب قانون اکسلی بود، نشان داد که هرچند تمدن قرن بیست و یکم بدون شکل‌گیری شرکت‌های سهامی عام در چند قرن قبل از آن نمی‌توانست پدید آمده باشد، و بی شک اختراع ابزار مالی جدیدی تحت عنوان سهام شرکت‌های سهامی عام نقش بزرگی در شکل‌گیری تمدنی دارد که امروز روی کره زمین می‌بینیم، در عین حال این نوع تشکل و این نوع جمع‌آوری وجوه، از خطرات مربوط به خود هم عاری نیست و نگرانی‌های جدی بر آن مترتب است.

ضرورت تحول در حرفه

در پرتو این تحولات عمده بین‌المللی، حرفه حسابداری و حسابرسی دنیا دچار دگرگونی‌های عمده‌ای شده است، و همراه با آن، به نظر می‌رسد حرفه حسابداری و حسابرسی کشور ما نیز تجدید ساختاری اساسی را تجربه خواهد کرد. تشکیل شرکت‌های بزرگ حسابرسی، به گمان این جانب، یکی از این تحولات خواهد بود که در سال‌های آینده می‌توانیم منتظر آن باشیم و شاید پایین‌بودن دستمزدهای حسابرسی و تصحیح این نرخ‌ها برای ارتقای کیفیت خدمات

حسابرسی ضروری باشد. این‌ها محدودیت‌هایی برای حرفه حسابداری کشور ایجاد کرده است، و بی‌شک می‌توان گفت که حرفه حسابداری مشکلاتی هم دارد.

در عین حال، به‌رغم همه مشکلات، حجم عظیمی از اطلاعات را حسابداران و حسابرسان ایران تولید می‌کنند و در اختیار بازار سرمایه قرار می‌دهند. یعنی، به‌رغم محدودیت‌ها و مشکلات اساسی‌ای که دارند، نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که حجم عظیمی از اطلاعات را جامعه حسابداری کشور تولید می‌کند؛ اطلاعاتی که بخش عمده آن‌ها متأسفانه مورد استفاده سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه قرار نمی‌گیرد.

عدم استفاده از اطلاعات مالی

درست است گفته شود بازار سرمایه‌ای که انتظار دارد جامعه حسابداری کشور اطلاعات بیشتری در اختیار آن قرار دهد، از همین اطلاعاتی هم که حسابداران تولید می‌کنند، استفاده کامل نمی‌کند. این موضوعی است که برای حل جدی آن، باید همه راه‌کارها را دنبال کنیم تا در بازار سرمایه تحلیل‌ها بر صورت‌ها و اطلاعات مالی مبتنی باشد، و از آن مقدار اطلاعات مالی که تولید می‌شود، نهادهای مالی در اخذ تصمیمات اعتباری و سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه استفاده کنند؛ تصمیمات مالی نباید مبتنی بر شایعات باشد. البته، آن قدر که شایعه می‌تواند در بازار سرمایه نفوذ داشته باشد و بر تصمیمات سرمایه‌گذاران اثر بگذارد، طبعاً در بازار پول نمی‌تواند تأثیر بگذارد، چراکه مخاطب شایعه در بازار پول مدیران بانک‌ها هستند که تعدادی محدودتر با دانش بالاترند، در حالی که حوزه عمل بازار سرمایه میلیون‌ها نفر سرمایه‌گذارند که منابع‌شان را می‌آورند، و بسیاری از آنان دانش کافی برای تحلیل ندارند. بنابراین، در حوزه بازار سرمایه است که نگرانی از نفوذ شایعه و ترس از این که تصمیمات بازیگران، به‌جای تکیه بر اطلاعات حسابداری، بر شایعه متکی باشد، بیشتر است.

تغییر موقعیت بازار سرمایه

توسعه کشور بدون حمایت جامعه حسابداران و حسابرسان کشور ممکن نیست و بر همان اساس، توسعه بازار سرمایه نیز بدون حمایت حسابرسان ناممکن است. اکنون در بازار سرمایه کشور اتفاقات مهمی رخ داده است. در عرض یک تا دو سال، بازار سرمایه دگرگون شده است. پیش‌بینی می‌شود امسال احتمالاً ارزش بازار سرمایه، یعنی قیمت سهام ضرب‌در تعداد سهم که نماینده پس‌انداز ملی است، از رقم پس‌اندازها در بازار پول پیشی بگیرد.

این وضعیت با وضعیت چند سال قبل در دهه ۷۰ شمسی کاملاً متفاوت است که در آن بازار سرمایه به خاطر ۹ میلیارد تومان، گرفتار بحران می‌شد. امروز بازار سرمایه متفاوتی است چراکه حجم معاملات فقط در تالار اصفهان، از حجم معاملات کل سال ۷۹ بورس فراتر می‌رود. مشاهده می‌کنید که از بازار کاملاً متفاوتی صحبت می‌کنیم. رشد این بازار نشان‌دهنده فرصت‌های اقتصاد ایران است. بیانگر آن است که با شتاب بیشتری می‌توانیم رشد را ادامه دهیم. این‌جانب فرمایشات جناب آقای مهندس خلیلی را تأیید می‌کنم و هم‌چون ایشان خوش‌بین‌ام که ایران در آستانه تحول اقتصادی بزرگی باشد.

واقعیت این است که با به اجرا درآمدن پیگیر برنامه اقتصادی مناسبی توسط جمع بااراده و مصممی ظرف ۸ سال، قطعاً ایران می‌تواند به جایگاه مالزی امروز برسد. هیچ‌شکی ندارم که فرصت‌ها و امکانات رشد کشور ایران با بسیاری از کشورهای دنیا غیرقابل مقایسه است.

اهمیت مقابله با پلیدی‌ها در بازار

اگر رشد بازار سرمایه فرصتی برای سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و پیشرفت کشور است و این موضوع را قبول داریم که دستاوردهای حاصله در سال‌های اخیر باید حفظ شود و توسعه یابد، و واقعاً امیدواریم که توسعه بازار سرمایه، حتی تا حجمی معادل ۱۰ برابر موقعیت فعلی در چند سال آینده ادامه یابد، در آن صورت با جنبه ناخوشایندی از موضوع که می‌توانیم حتی آن را

خیانت ملی بنامیم، باید مبارزه شود. اگر با دستکاری در بازار سرمایه، با دستکاری در نظام قیمت‌ها در این بازار، و با از بین بردن شفافیت، نیروهایی باعث شوند تخصیص منابع در بازار سرمایه غلط انجام شود و باعث شوند توسعه بازار سرمایه در راستای هدف ایجاد اشتغال و سرمایه‌گذاری به وقوع نپیوندد، در آن صورت با فاجعه ملی روبه‌رو می‌شویم.

در این که چنین اتفاقی نیفتد و بازار سرمایه بدون سقوط بزرگ در طول ۵ تا ۱۰ سال آینده به رشد خود ادامه دهد، بی‌شک حساب‌رسان نقش درجه اول و مهمی دارند. بازار سرمایه و محدودتر از آن بورس باید حوزه‌های مشترک کار با جامعه حسابداران کشور را روشن کند. در چه حوزه‌هایی می‌توانیم با هم کار کنیم، چه خدماتی مورد نیازمان است، چه گزارش‌های اضافی‌ای می‌خواهیم که در حال حاضر تولید نمی‌شود، چه گزارش‌هایی تولید شده است، و موجود است که نتوانسته‌ایم از آن‌ها خوب استفاده کنیم. این‌ها موضوعاتی است که در حد وقتی که برای این جانب در ادامه جلسه باقی مانده است، توضیح می‌دهم.

حوزه‌های مشترک کار حسابداران با بازار سرمایه

مثال‌های زیادی داریم که به نقش حسابداران در بازار سرمایه مربوط است. شفافیت در شرکت‌های هلدینگ، در گروه‌های صنعتی‌ای که جناب خلیلی هم به آن‌ها اشاره کردند، چه‌گونه باید اتفاق بیفتد. چه‌گونه سرمایه‌گذاران بورس تهران در گذشته، بدون وجود صورت‌های مالی تلفیقی، برای خرید سهام شرکت‌های بزرگ هلدینگ تصمیم می‌گرفته‌اند؟ درحالی که بورس حتی گزارش تلفیقی اولیه‌ای در اختیار آن‌ها قرار نمی‌داده است، این تصمیمات چه‌گونه اخذ می‌شده است؟ براساس چه اطلاعاتی تصمیم گرفته می‌شده که کدام سهم را بخرند و کدام سهم را نخرند؟ شفاف کردن وضعیت مالی شرکت‌های بزرگ هلدینگ، حوزه مشترک کار بورس و جامعه حسابداران است.

در مورد افزایش سرمایه‌های عمده شرکت‌های بزرگ بورسی که این روزها اتفاق می‌افتد، تمام تکیه بورس به بررسی‌هایی است که حسابداران و حسابرسان این شرکت‌ها انجام می‌دهند. در واقع، بورس در یکی دو سال گذشته، به هیچ‌وجه در تصمیمات مجامع که متکی به کار حسابداران و تأیید حسابرسان است، یعنی در حوزه افزایش سرمایه‌ها، دخالتی نکرده است. اما آیا همه این افزایش سرمایه‌ها به درستی انجام شده است؟ آیا افزایش سرمایه‌ها واقعاً منافع سرمایه‌گذاران قبلی را در نظر گرفته است؟ آیا افزایش سرمایه‌های متکی بر تشکیل شرکت‌های تابعه و شناسایی سود از محل فروش دارایی شرکت مادر به شرکت‌های تابعه صحیح بوده است؟ این هم حوزه مشترک کار حسابداران با بورس می‌تواند باشد. مثال دیگری که خدمتان ارائه می‌شود، سرعت دادن به تهیه صورت‌های مالی تلفیقی، به‌روآوری استانداردهای حسابداری مالی و رویه‌های افشای متناسب با استانداردهای حسابداری بین‌المللی است.

بنابراین، دنیا از ضرورت و الزام وجود حسابرس مستقل در شرکت‌ها بسیار فراتر رفته است. پس باید دید در این حوزه‌ها، جامعه حسابداری کشور چه کاری می‌تواند بکند، و چه همکاری و خدمتی همراه با بازار سرمایه در این حوزه‌ها می‌تواند انجام دهد. امروزه در مورد کمیته انتخاب حسابرس مستقل در شرکت‌های عمومی و سهامی عام، به‌ویژه در شرکت‌هایی که گروه و یا هلدینگ‌اند، بسیار بحث می‌شود. در این حوزه‌ها از حسابداران و حسابرسان چه کمکی باید بگیریم؟

به‌هرحال، بستر فعالیت و عمل مشترک بورس با حسابداران را می‌باید در قوانین جستجو کرد: قانون تجارت، قانون شرکت‌ها، قوانین مربوط به خدمات حسابداری و حسابرسی، قانون بازار سرمایه، قانون معاملات الکترونیک، و بسیاری قوانین دیگر. همه قوانین جاری در این حوزه‌ها به تغییرات عمده‌ای نیاز دارند. در چارچوب این قوانین است که نحوه حضور نمایندگان بازار سرمایه در کمیته‌های تدوین استانداردهای حسابداری و گزارش‌گری روشن می‌شود. در قانون تجارت است که محدودیت‌های اساسنامه شرکت‌های سهامی عام می‌آید. در قانون بازار

سرمایه است که حوزه عمل مشترک بورس و جامعه حسابداری روشن می‌شود. الزام قانونی به استفاده از استانداردهای حسابداری و حسابداری است که شفافیت در بازار سرمایه را ارتقاء می‌دهد. قوانین مستقل دیگری نیز می‌تواند به روشن شدن حوزه کار مشترک کمک کند. مثلاً، در بعضی از کشورها، حاکمیت شرکتی یا corporate governance به قانون مستقل بدل شده است. در ایران، می‌توان در چارچوب قانون تجارتی که در حال بازبینی است و یا به شکل مقرراتی مستقل این ضرورت‌ها را لحاظ کرد. این‌ها چارچوب‌های کار مشترک بازار سرمایه با حسابداران را نشان می‌دهد و بر روی این بسترهاست که این دو نهاد مسائل مشترک خود را حل می‌کنند. در اکثر حوزه‌هایی که قوانین، برای حفظ حقوق سرمایه‌گذاران اقلیت و به‌ویژه عامه سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای، تمهیداتی دارند، حسابداران باید نقش خود را در اعمال قوانین پیاده کنند.

زیرساخت‌های مورد نیاز

البته، منظور این نیست که بگوییم همه چیز دست حسابداران و مندرج در گزارش‌های حسابداری است. بخشی از شفافیتی که بازار سرمایه نیاز دارد، فراتر از این‌ها می‌رود، و به زیرساخت‌ها مربوط است. در حال حاضر، هیچ‌نوع تقاضای جدی برای شفافیت در محیط اجتماعی و تجاری ایران و شفافیت در ساختار مالکیت و مدیریت شرکت‌ها وجود ندارد. چنین است که مجبوریم روی حوزه فرهنگی کار بیشتری انجام دهیم. کم نیستند کسانی که در بازار سرمایه، ارتکاب به جرایم بازار و دستکاری در نظام قیمت‌ها را زرنگی تلقی می‌کنند. نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران نیز همه این موارد را جرم نمی‌شناسند. طبعاً ایران در همان محیط قضایی‌ای حرکت نمی‌کند که در آن‌جا مدیری که ۳۰۰ میلیون دلار را در حسابی جابه‌جا ثبت می‌کند (مثل موردی اخیر در امریکا) تا فقط نشان بدهد که مدیر قابل‌تری است، به ۲۴ سال زندان محکوم می‌شود؛ بیست و چهار سال زندان برای انجام ثبت جابه‌جا. روشن است که ایران در چنین محیطی فعالیت

و حرکت نمی‌کند. بسیاری هستند که هنوز فکر می‌کنند دستکاری در قیمت‌ها جرم نیست؛ این را معادل با بالا رفتن از دیوار مردم نمی‌دانند. فکر می‌کنند این حوزه‌های ابتکار و هوشمندی و چالاکی آنان است. یعنی، در واقع، هنوز زیرساخت‌های کافی فرهنگی هم برای کار حسابداران در حوزه بازار سرمایه فراهم نیامده است.

خدمات حسابداران در افزایش شفافیت

اگر بخواهیم مثال‌های بیشتری از حوزه ارتباط بازار سرمایه با حرفه حسابداری و حسابرسی خدمتتان ارائه دهیم، غیراز اجبار به انتصاب حسابرس مستقل، تأکید بر استقلال حسابرس، حرفه‌ای‌گری حسابرس، بازرسی قانونی و غیره، و این‌که تکیه کامل بر گزارش‌هایی که حسابداران تهیه می‌کنند، باید داده شود، و بر آن اساس اطلاع‌رسانی صورت گیرد، باز هم حوزه‌های متعدد دیگری وجود دارد: آیا حسابرسان خارجی یا مستقل تحت نفوذ سهامدار کنترل‌کننده‌اند یا نه؟ این حوزه‌ای است که جامعه حرفه‌ای چون جامعه حسابداری کشور با انجام کار تحقیقی جدی، می‌باید به آن پاسخ دهد. بگویید که چه‌گونه این نفوذ را کاهش بدهیم. پاسخ دهد که آیا استانداردهای حسابداری مالی ایران منطبق با استانداردهای بین‌المللی و منسجم است؟ آیا از استانداردهای پذیرفته‌شده بین‌المللی فاصله گرفته‌ایم؟ مقامات ناظر در ایران، مثلاً در حوزه بازار سرمایه، اعم از شورای بورس یا هیئت‌مدیره بورس، آیا قواعد حسابداری را به‌نفع مثلاً صنعت خاص یا رشته خدمات مالی برهم زده‌اند؟ آیا حوزه عمل و اقدام آن‌ها طوری بوده است که قواعد، رویه‌ها و استانداردهای حسابداری را زیر پا گذاشته باشند؟ آیا استانداردهای حسابداری مالی برای همه حوزه‌ها و رشته‌های فعالیت در صنایع و خدمات مختلف داریم و آن‌ها را تهیه کرده‌ایم؟

در بورس برای کنترل واحدهای خدماتی، بازرسی، یا بانک‌ها، واقعاً تجربه لازم وجود ندارد. به‌تازگی فرم‌های گزارش‌گیری مربوطه تهیه شده است. در این‌که چه‌گونه از رشته‌های

جدید فعالیت در بورس، کلاً از شرکت‌های ساختمانی، بانک‌ها، یا از مؤسسات بازرسی اطلاع بگیریم، نیاز به کمک حسابداران داریم. بورس بیشتر کنترل شرکت‌های صنعتی را می‌شناسد؛ گزارش‌هایی که مربوط به صنایع تولیدی کارخانه‌ای بوده است، تهیه می‌شده است. از این نظر، در بیشتر حوزه‌ها، استانداردها و رویه‌های عملی (procedure) مربوط تهیه نشده است. ارتقای کیفیت حسابرسی را می‌توان به موضوع مشترکی بدل کرد؛ با مرور دائمی این کیفیت‌ها و طراحی‌ها، برخورد مناسب با تخلفات در صورت لزوم می‌تواند به عمل آید. تقویت مقررات در این حوزه می‌تواند کار مشترک جامعه حسابداری با بازار سرمایه باشد.

لزوم کار مشترک

انضباط بازار کار حسابداران و حساب‌برسان به انضباط بازار مالی کمک می‌کند. اگر بازار کار حسابداران بازاری کنترل‌شده، تقویت‌شده و منضبط باشد، خدمات حسابداران ممتازتر در بازار به درستی قیمت‌گذاری می‌شود، و چنین است که این انضباط، به انضباط بازار مالی کمک می‌کند. بسط نقش جوامع حسابداری، هم‌چون انجمن حسابداری ایران، می‌تواند به این هدف کمک کند، و در عین حال موضوع بحث و جلسات مشترکی باشد که تشکیل می‌شود. خوشبختانه امسال دو همایش مشترک با حسابداران کشور داشته‌ایم، و امیدواریم در حوزه‌های کار مشترک، با انجمن حسابداری ایران نیز همایش‌های مشترکی داشته باشیم. طراحی کمیته‌های مناسب حسابرسی در داخل شرکت‌ها، با توجه به اصول حاکمیت شرکتی، یکی از حوزه‌هایی است که می‌توانیم روی آن مشترکاً کار کنیم. کمیته حسابداران معتمد در بورس با حضور نمایندگان جوامع حسابداری کشور باید تقویت شود و بورس باید از حسابداران و حساب‌برسانی کمک بگیرد که می‌توانند کمک بیشتری کنند تا قواعد داخل بورس منسجم و منظم‌تر شود. بورس تهران به چند هزار صفحه مستندسازی نیازمند است. بسیاری از کارهایی که امروز در بورس انجام می‌دهیم، مستندات لازم را ندارد؛ بر تجربه و سنت مبتنی است. مثلاً،

این که عرضه‌های اولیه یا عرضه عمده چه‌گونه انجام می‌شود، هنوز روی کاغذ نیامده است. در تهیه چند هزار صفحه مستندات برای بورس طبعاً جامعه حسابداری نقش بسیار عمده‌ای می‌تواند داشته باشد. خوشبختانه، در حال حاضر منابع بودجه‌ای لازم را هم داریم و می‌توانیم از خدمات حسابداران برخوردار شویم.

در مورد شرکت‌های بزرگ، یک حوزه کار مشترک با جامعه حسابداری، حذف معاملات درون شرکت‌ها در صورت‌های مالی تلفیقی است که در حال حاضر به‌درستی انجام نمی‌شود. افشای معاملات درون‌گروهی، غیر از الزامات ماده ۱۲۹ قانون تجارت، چیزی فراتر از وضعیت موجود است. افشا و نظارت مستمر بر معاملات طرف‌های وابسته - امری فراتر از ماده ۱۲۹ قانون تجارت - ساختار کنترل‌های داخلی، سیستم نظارت داخلی، و سیستم مدیریت ریسک، حوزه‌های مشترک کار حسابداران و بازار سرمایه است. به‌ویژه، در حوزه مدیریت ریسک، گزارش‌های حسابرسی چیزی را نمی‌گویند، و در گزارش بازرسی هم نکته‌ای در مورد مدیریت و ارزیابی ریسک را نمی‌بینیم. این که در جریان تدوین استانداردها، نیازهای بورس باید دیده شود، را بی‌شک سازمان حسابرسی هم قبول دارد. در حوزه تدوین استانداردها هم که اکنون خارج از جامعه تدوین می‌شود، حداقل نیازهای بورس می‌باید دقیق‌تر لحاظ شود؛ در آن حوزه نیز بازار سرمایه باید مشارکت فعال‌تر داشته باشد.

حاکمیت شرکتی

تعیین زمان برای تولید گزارش‌های فصلی، ۶ ماهه، یا سالیانه هم نیازمند هماهنگی بین بازار سرمایه و حسابداران برای تهیه مقررات لازم مربوط است. نه تنها با حسابداران و حسابرسان باید روی زمان گزارش‌ها، بلکه در مورد محتوای آن‌ها توافق کنیم. محتوای گزارش‌های هیئت‌مدیره از موضوعاتی است که حسابرسان کمتر روی آن نظر جدی می‌دهند. در قواعد جاری حاکمیت شرکتی این که محتوای گزارش هیئت‌مدیره چه باشد، اهمیت وافر یافته است. مسؤلیت جمعی

اعضای هیئت‌مدیره نسبت به آن گزارش‌ها نیز اهمیت بسیار یافته است. حتی مستحضرید که در بعضی از کشورها، اجباری است که حداقل یک‌چهارم گزارش هیئت‌مدیره به مجمع را اعضای غیرتمام‌وقت یا غیرموظف باید بنویسند. در این موارد که به اصول "حاکمیت شرکتی" مربوط می‌شود، بورس با جامعه حسابداری کشور باید کار مشترک انجام دهد.

البته اصول حاکمیت شرکتی را می‌توان در قانون تجارت یا قانون شرکت‌های جدید کشور لحاظ کرد یا آن را به شکل قانون جداگانه تنظیم کرد. فعلاً می‌توان اصول حاکمیت شرکتی را به شکل آیین‌نامه تدوین و به شورای بورس برای تصویب تقدیم کرد. بورس آیین‌نامه‌ای بدین منظور تهیه کرده است که به زودی به هیئت‌مدیره تقدیم می‌شود تا پس از اخذ نظر آن هیئت، برای شورای محترم ارسال شود. در مورد محتوای این آیین‌نامه کار زیادتری باید صورت گیرد، و این جانب از همکاران حسابداری برای جرح و تعدیل این آیین‌نامه و اصلاح و ارتقای کیفیت آن کمک می‌خواهم.

در مورد نحوه حضور سهامداران و رأی‌گیری در مجامع، کم‌کم مشکلاتی بروز کرده است. زمانی در گذشته شفاف کردن این فرایند مهم نبوده است، اما اکنون نحوه کنترل رأی‌گیری در مجامع به معضل تبدیل شده است و موارد زیادی شکایت دریافت می‌شود. این واقعاً در حوزه عمل ما نیست و طبق مقررات جاری، نمی‌توانیم در این حوزه دخالت کنیم. در بعضی از کشورها موضوع دادن رأی در مجامع اجباری شده است. عمده کشورها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که رأی‌دادن در مجامع اجباری نباشد. اما در عین حال، سرمایه‌گذاران نهادی می‌باید سیاست رأی‌دادنشان را افشا کنند. یعنی، جزو مقررات حاکمیت شرکتی است که نحوه رأی‌دادن سرمایه‌گذاران نهادی افشا شود. مخصوصاً، در مورد صندوق‌ها (fund) که به جای سرمایه‌گذاران، مدیران صندوق‌ها رأی می‌دهند، افشای نحوه رأی‌گیری ضرورت دارد.

مثلاً، اگر ایران خودرو ۲۰۰ هزار نفر سهامدار دارد، و روزی برسد که مدیران ۱۰۰ سبد به‌عنوان نماینده آن ۲۰۰ هزار سهامدار به مجمع بروند، افشای نحوه رأی‌دادن آن‌ها در مجامع و

بیان این که بر چه اساس رأی خواهند داد، ضرورت دارد. شکل‌گیری این نهادهای سرمایه‌گذاری واقعاً ضرورت دارد تا در مجامع حرف درست و حسابی بزند، وگرنه جمع‌شدن ۲۰۰ هزار سهامدار غیرحرفه‌ای - اگر هم ممکن باشد - فایده‌ اجرایی و عملی ندارد. آن ۱۰۰ حرفه‌ای که نماینده ۲۰۰ هزار نفراند و سبدها را اداره می‌کنند و یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری با بنیان بسته را می‌گردانند، بهتر می‌توانند تصمیم‌ساز باشند. اما، نحوه رأی‌دانشان، حتماً باید برای کسی که از سبد (unit trust یا mutual fund) و یا از شرکت سرمایه‌گذاری، سهم‌الشرکه می‌خرد می‌باید افشا شود.

بنابراین، نحوه اعمال رأی موضوعی است که در قوانین و مقررات باید آن‌ها را روشن کنیم. حضور الکترونیک سهامداران در جلسات مجامع نیز قانون تجارت جدیدی را می‌طلبد که پاسخ‌گوی نیازهای زمان باشد. سال‌های طولانی است که رأی‌دادن از طریق پست در دنیا معمول شده است، اما در ایران قوانین مربوطه تنظیم نشده، یا تنظیم آن اولویت نداشته، و حالا زمانه رأی‌گیری الکترونیک است، و در دنیا این نوع رأی‌گیری به‌طور گسترده توسعه می‌یابد. این هم از موضوعاتی است که در آیین‌نامه حاکمیت شرکتی فعلاً می‌توانیم لحاظ کنیم.

خوشبختانه در ایران در یک مورد در موقعیتی هستیم که از دنیا جلوتریم. یعنی، اصل "یک سهم و یک رأی" تنها وضعیت حاکم بر بورس ماست که سایر بورس‌ها به دنبال اعمال آن‌اند. در این مورد از دنیا جلوتر هستیم، برای این که سهام ممتاز و سهام با رأی ویژه در دنیا زیاد است. اما گرایش کلی چه در اروپای مشترک و چه در امریکا به سمت وضعیت "یک سهم، یک رأی" است. در این مورد پس مشکل نداریم، و حتی در ایران امکان مراجعه سهامدارانی که یک سهم هم دارند به مراجع قضایی برای مقابله با تصمیمات مدیران فراهم است. در مقررات جدید دنیا چنین حقی به سهامداری که یک‌دهم درصد سهام را دارد، داده می‌شود.

در چارچوب مقررات حاکمیت شرکتی برای شفافیت هم باید تصمیماتی گرفته شود. حضور تعدادی مدیران خارج از سازمان، در شرکت‌های سهامی عام، در بسیاری از کشورها اجباری شده

است. یعنی فرض بر این است که اگر چند مدیر از یک مجموعه، موظف و تمام وقت با یکدیگر کار کنند، دیگر جلسات هیئت مدیره هم جدی برگزار نمی شود، و صورت جلسات دست گردان تهیه می شود، و شفافیت کاهش می یابد. بالاخره، کسی باید از بیرون بیاید و در مورد سلامت این هسته موظف به هم پیوسته نظر و گزارش دهد. هشداردهنده ای یا کسی که وقتی خطایی را می بیند، سوت بزند (whistle blower)، باید وجود داشته باشد. در بعضی از کشورها، حداقل ۳ نفر عضو غیرموظف هیئت مدیره اجباری شده است. یعنی، تعداد اعضای خارج از هسته اصلی و غیرموظف در هیئت مدیره به سه نفر رسیده است. در این حوزه ها فعلاً در چارچوب آیین نامه "حاکمیت شرکتی" بورس تهران هم باید تصمیماتی بگیرد؛ بعدها، این مسائل را باید در قوانین مستقل آورد.

فعال کردن نفوذ بستانکاران، بانک ها و سهامداران اقلیت در آیین نامه حاکمیت شرکتی باید دیده شود. با توجه به این که به زودی اوراق مشارکت زیادی توسط شرکت های پذیرفته شده انتشار خواهد یافت، برای دارندگان اوراق مشارکت هم چون بانک ها که بستانکاران عمده شرکت هایند، به همراه سهامداران اقلیت، باید نقش فعال تری در متن مقررات حاکمیت شرکتی، در نظر گرفت. مسؤولیت قانونی رئیس هیئت مدیره و اعضای هیئت مدیره شرکت های مادر در شرکت های عضو گروه، یعنی در شرکت های زیرمجموعه که در قوانین جاری ما تعریف نشده، باید روشن شود. در بسیاری از قوانین، مسؤولیت تضامنی و مشترک دیده شده است. بنابراین، در حوزه شرکت های هلدینگ مجبوریم با حسابداران برای تنظیم مقررات بهتر کار کنیم.

در مقررات "حاکمیت شرکتی" بعضی از کشورها، سهامداران اقلیت می توانند در تنظیم دستور جلسه مجامع دخالت کنند، و در مجامع عمومی به دستور جلسه بندهایی اضافه کنند. این حوزه ای است که می توانیم در مقررات حاکمیت شرکتی بورس ببینیم.

حمایت قانونی از کسانی که اطلاعات را افشا می کنند موضوع دیگری است که نیازمند قانون مستقل است. آن هایی که سوتی می زنند و اطلاعاتی را افشاء می کنند و به سایر

سرمایه‌گذاران می‌دهند، نیازمند حمایت‌اند. این حمایت قانونی در حال حاضر در قوانین ما لحاظ نشده است.

برای افزایش شفافیت، نه تنها ترکیب و مسؤولیت هیئت‌مدیره باید روشن شود، بلکه معاملات آنان با شرکت و نحوه جبران خدمات مدیران توسط شرکت باید افشاء شود. در ایران، به خاطر مجموعه محدودیت‌هایی که وجود دارد و تعبیر تنگ‌نظری در مورد آن‌ها صادق است. در سال‌های اخیر در مواردی واقعاً روشن نمی‌کنیم که هیئت‌مدیره‌ها دقیقاً چقدر می‌گیرند. البته در خارج، وضع خیلی بدتر است. یعنی آن‌جا چون اختیار معامله یا option سهام وجود دارد، مخفی کردن آن چه اعضای هیئت‌مدیره می‌گیرند، ساده‌تر صورت می‌گیرد. چنین است که در مقررات حاکمیت شرکتی، روشن کردن هزینه‌های جبران خدمات مدیران شرکت ضرورت یافته است. در این حوزه‌ها، شفافیت شرکت‌های ایرانی از دنیا بهتر است، ولی نیاز به شفافیت بیشتری داریم.

به هر حال، به طور کلی حسابداران در تهیه گزارش سالیانه "حاکمیت شرکتی" باید نقش جدید مؤثرتری ایفا کنند. تا امروز، گزارش‌های حاکمیت شرکتی در ایران تهیه نشده است، و طبعاً حسابرسان هم نسبت به آن اعلام نظری نکرده‌اند. این وضعیت به زودی تغییر خواهد کرد. موارد تضاد منافع در داخل شرکت‌ها، بخشی از افشاست که کمتر به آن‌ها اشاره شده است.

به علاوه، با پدیده تعویض حسابرس باید به درستی برخورد شود. مقررات جدید اجبار می‌کند که حسابرس بعد از گذشت دوره‌ای، عوض شود؛ و اگر هم مؤسسه حسابرسی تغییر نمی‌کند، حداقل شریک مسؤول حسابرس عوض شود. در این مورد نیز در آیین‌نامه حاکمیت شرکتی می‌توانیم نکاتی را بیاوریم. در عین حال، بورس نیاز به مطالعاتی دارد تا بررسی شود آیا تغییر حسابرس‌ها باعث شفافیت بیشتر شده یا نه؛ چون بعضی از تغییرات حسابرس برعکس انجام شده است؛ یعنی، حسابرس ایرادی را گرفته است که با خواست هیئت‌مدیره منطبق نبوده، و

شرکت موضع گرفته، و نهایتاً به تغییر حسابرس منجر شده است. همه این‌ها را در مقررات حاکمیت شرکتی باید ببینیم.

سخنرانی در "همایش ملی حسابداری و صنعت"، انجمن حسابداری ایران، مهرماه ۱۳۸۲.